

دکتر محمد باقر بهشتی *

دیدگاه عشایر آذربایجان شرقی در مورد کوچ و اسکان

چکیده

پیش از رسوخ پدیده‌های "مدرن" در ارکان اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی، روند زندگی یکجانشینی یا کوچ‌نشینی را شرایط سیاسی، امنیتی و اقتصادی تعیین می‌کرد. اما، با ورود و رواج پدیده "مدرنیسم" جوامع "سنتی" دچار دگرگونی شدند و مخصوصاً بعد از جنگ جهانی دوم، با رشد سریع شهرنشینی، هم از اهمیت جوامع عشایری و روستایی کاسته شد و هم بر منزلت زندگی شهرنشینی افزوده گشت. علت این امر را می‌توان، گسترش روابط بین ملل و اقوام مختلف و توسعه ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی دانست که در اثر آن، جوامع مختلف روز به روز به هم نزدیک می‌شوند.

علیرغم آنکه عشایر در طول تاریخ ایران نقش موثری داشته‌اند، به مرور زمان اهمیت خود را از دست داده‌اند و سهم جمعیتی آنها تقلیل پیدا کرده‌است. در آذربایجان شرقی ایل ارسباران و چند طایفه از ایل ایلسون (شاهسون) و چند طایفه مستقل عشایری زندگی می‌کنند. بزرگترین ایل آذربایجان شرقی، ایل ارسباران و بزرگترین طایفه آن طایفه چلبیانلوست که قلمرو قشلاقی آن شهرستان کلیبر می‌باشد.

هدف این مقاله بررسی دیدگاه عشایر استان آذربایجان شرقی در مورد کوچ و اسکان و دیدگاههای آنان در خصوص سیاست اسکان عشایر دولت جمهوری اسلامی است.

این گزارش نتیجه یک تحقیق کاربردی از نوع پیمایشی می‌باشد که با استفاده از پرسشنامه خانوار، به طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده و در جامعه عشایر کوچرو که قشلاق آنها در استان آذربایجان شرقی قرار دارد، در بهار ۱۳۷۶ در قالب اجرای طرح تحقیقاتی با مسؤولیت اجرایی تهیه‌کننده این مقاله و به کارفرمایی استانداری آذربایجان شرقی انجام شده است.

داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزارهای *SPSS (Version 7.0)* مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است که نتایج حاصل از آن چنین است:

- ۱- عشایر با دید مثبت به اسکان می‌نگرند و به همین دلیل معتقدند که در صورت اسکان، درآمد و وضع زندگی آنها بهتر خواهد شد.
- ۲- عشایر ضمن قبول این واقعیت که کوچ از بین خواهد رفت، سیاست اسکان عشایر دولت را مثبت ارزیابی می‌کنند و در این بین افراد باسواد بادیدی بهتر بر سیاست اسکان عشایر می‌نگرند.

۱- مقدمه

جامعه عشایری در هزاره‌های سوم و دوم قبل از میلاد مسیح از اتحاد خانوارهای گسترده و گروه‌های کوچک هم‌نژاد خویشاوند با شیوه معیشت دوگانه (دامپروری - کشاورزی) ایجاد شد (طیسی ۱۳۷۴، ص ۱۱۳). مظاهر فرهنگی عشایر در طول تاریخ در همه شئون ایران نفوذ داشته است. بسیاری از حکومت‌هایی که قبل و بعد از اسلام در ایران به قدرت رسیدند از ایلات و عشایر بوده‌اند. مثلاً در دوره بعد از اسلام بعد از حدود دو قرن حکومت خلفا، اغلب حکومت‌های ایران از ایلات بودند، مانند حکومت‌های سلجوقیان، مغولان، تیموریان، صفویه، افشاریه و قاجار. به عبارت دیگر، حرکت‌های کوچ‌نشینی باعث به وجود آمدن اولین حرکت‌های انسانی - اقتصادی شده و مسیر تاریخ کشور را رقم زده است (مشیری ۱۳۷۲، صص ۷۱-۷۲).

قبل از آنکه پدیده‌های "مدرن" در ارکان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رسوخ کند، روند یکجانشینی یا کوچ‌نشینی را شرایط سیاسی، امنیتی و اقتصادی کشور تعیین می‌کرد. اما، با ورود و رواج پدیده "مدرنیسم" جوامع "سنتی" شهری، روستایی و عشایری دچار تغییر و دگرگونی شدند و مخصوصاً، بعد از جنگ جهانی دوم با رشد سریع شهرنشینی، هم از اهمیت جوامع عشایری و روستایی کاسته شد و هم بر منزلت شهرنشینی افزوده شد. دلیل این امر را می‌توان در تفوق دستاوردهای حاصل از انقلاب صنعتی بر شیوه‌های سنتی زندگی دانست.

هر قدر زمان می‌گذرد، فاصله بین سطح برخورداری جوامع یکجانشین از امکانات زندگی بیشتر و بیشتر می‌شود و بدین ترتیب انگیزه ادامه

زندگی کوچروی تقلیل یافته و علاقه به اسکان در بین عشایر افزایش پیدامی‌کند. علیرغم آنکه عشایر بلافاصله بعد از برکنارشدن رضاشاه (که به اجبار می‌خواست عشایر را اسکان دهد) به کوچ ادامه دادند، اکنون به مرحله‌ای رسیده‌اند که داوطلبانه آن را می‌پذیرند. دلیل تغییر دیدگاه عشایر در مورد اسکان را باید در جاذبه‌های یکجانشینی و دافع‌های کوچروی دانست. زندگی راحت و سکونت در مسکن ثابت، مواجه نبودن با مشکلاتی نظیر حمل و نقل خانوار و دام، امید دستیابی به رفاه بالاتر و تحصیل فرزندان از موارد جاذبه‌های اسکان؛ ابتدایی بودن شیوه زیست عشایری، فروپاشی نظام قبیله‌ای، مسایل و مشکلات مربوط به دام و مرتع، علی‌الخصوص مسایل و مشکلات مربوط به ایلراهها و اتراق‌های ایلراهی، سختی زندگی کوچ‌نشینی، بی‌علاقگی نسل جوان به زندگی عشایری از مصادیق دافع‌های آن هستند.

۲- جمعیت عشایری ایران

در سال ۱۳۴۵، جمعیت عشایری ایران ۴۶۱،۳۶۳ نفر بوده است. بر اساس گزارش سازمان دامداران متحرک، جمعیت ایلات ایران در سال ۱۳۵۵، ۴/۸ میلیون نفر برآورد شده که بیش از نصف این جمعیت یعنی ۲/۴ میلیون نفر کوچ‌نشین بوده‌اند. (وزارت کشور و عمران روستایی ۱۳۶۱، ص ۷).

بر اساس برآورد نادر افشار نادری، جمعیت ایلی ایران در سال ۱۳۵۰، ۴/۵ میلیون نفر بوده که حدود ۲ میلیون نفر از آنها کوچرو بوده‌اند. هوشنگ کشاورز جمعیت عشایری کوچروی ایران را در سال ۱۳۵۴، ۲،۴۰۹،۹۶۰ نفر برآورد کرده است (پیشین، ص ۷).

مرکز آماری ایران در سال ۱۳۶۶ جمعیت عشایری ایران را ۲۲۳،۱۸۰ خانوار شامل ۱،۱۵۲،۱۱۸ نفر سرشماری کرده است (سازمان امور عشایری ایران ۱۳۷۲، صص ۵-۷؛ مشیری ۱۳۷۲، ص ۷۶).

۲-۱ ساختار اجتماعی عشایر

سازمان عشایر ایران را ایلها یا طوایف مستقل تشکیل می‌دهد. سلسله مراتب ایلی (ایل، طایفه و تیره) در ایلات مختلف ایران اشکال و ابعاد متنوعی دارد که مقایسه یا ردیف کردن آنها نیازمند انجام مطالعات مردم شناختی است (سازمان امور عشایری ۱۳۷۲، صص ۵-۷).
در شناخت ایلات و عشایر عبدالله شهبازی سه عنصر اساسی زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

۱- عنصر قبیله‌ای (*Tribalism*) به منزله "سازمان اجتماعی"

ایلات و عشایر

۲- عنصر کوچ‌نشینی (*Nomadism*) به مثابه "شیوه معیشت"

ایلات و عشایر

۳- عنصر دامداری (*Pastoralim*) به عنوان "شیوه تولید"

ایلات و عشایر.

او با تمایز سه عنصر فوق، ایل را اجتماعی می‌داند که سازمان اجتماعی آن قبیله‌ای، شیوه تولید آن کوچ‌نشینی و شیوه معیشت آن بطور عمده دامداری بوده و یک واحد مستقل اجتماعی و فرهنگی را تشکیل دهد (۱۳۶۹، ص ۲۵).

مرکز آمار ایران، تعاریف زیر را از ایل، طایفه و تیره ارائه می‌کند (۱۳۶۸، ایل ایلسون، ص ۸۵):

تعریف ایل: ایل شامل طایفه‌های متعددی است که علت همخونی و خویشاوندی یا دلایل اجتماعی، سیاسی و ... با یکدیگر متحد هستند و معمولاً در یک محدوده جغرافیایی که قلمرو ایل به حساب می‌آید زندگی می‌کنند. طایفه‌های یک ایل معمولاً به هم خویشاوندیهای دور سبب یا نسبی دارند، بعضاً هم ممکن است بدون داشتن خویشاوندی بنا به ضرورت‌های اجتماعی و سیاسی متحد شوند و تشکیل ایل دهند. گویش، آداب و رسوم و شیوه زندگی طایفه‌های مختلف یک ایل در موارد بسیاری یکسان است. عشایر ایران در مجموع ۹۶ ایل می‌باشند.

تعریف طایفه: عبارت است از مشخصترین و مهمترین چارچوب اجتماعی عشایر که عامل جمعیتی است و غالباً باهم خویشاوندی دور و نزدیک دارند و در چند یا چندین نسل پیش از طریق نسبی یا سببی به مبنای مشترکی می‌سازند. فرد عشایری در میان وابستگی و تعلقش، غالباً از طایفه خود نام می‌برد. عشایر ایران غیر از طوایف مربوط از طوایف مربوط به ایلات دارای ۵۴۷ طایفه مستقل می‌باشند.

تعریف تیره: سازمان امور عشایری تیره رارکن اصلی تشکیل دهنده طایفه می‌داند که از مجموع چند واحد کوچکتر (مثلاً بنکو، تش، دودمان، اولاد و...) به وجود می‌آید (۱۳۷۲، صص ۵ - ۷). از دیدگاه ایرج افشار، لغت عشیره که مترادف ایل می‌باشد کلمه عربی است و معنی آن برادران، تبار و نزدیکان از جانب آبا (= پدران) می‌باشد. جمع آن عشایر و عشیرات است. عشیره اسم فارسی گرفته شده از عربی بوده و معنی آن خویشان. نزدیکان و تبار

اهل خانه و قبیله و طایفه است (۱۳۶۶، ص ۱۱).

صاحب نظر اخیر واژه ایلات (= جمع ایل) را برگرفته از ایلخانان دانسته و آن را به معنی طوایف صحرائشین و نیمه صحرائشین می‌داند. تعریف خانوار: واحد تولید و مصرف کوچ نشینان خانوار می‌باشد. هر خانوار مصرف‌کننده قسمتی از تولیدات خود می‌باشد (افشار سیستمی ۱۳۶۶، ص ۵۵).

۲-۲ نظام سیاسی عشایر

نظام سیاسی کوچ‌نشینان تا حد زیادی بر اساس روابط خویشاوندان است و حکومت به عنوان پدیده جدا از این روابط وجود ندارد (امان‌اللهی ۱۳۶۰، ص ۱۸۱). هر چند عوامل مختلف ممکن است در قدرت عشایر دخالت داشته باشد، با این همه به عقیده امان‌اللهی منبع قدرت‌خان یا خوانین بیش از هر چیز به تعداد پسران، برادران، برادرزادگان، عموها، عموزادگان و سایر اقوام و اعضای تیره آنها بستگی دارد. (۱۳۶۰، ص ۱۸۳). همان‌گونه که گفته شد، قدرت عشایر در دوران قبل از روی کارآمدن رضاخان چندان بوده که اکثر شاهان کشور از بین ایلات و عشایر به قدرت می‌رسیدند. در دوران قبل از رضاخان، اغلب ایلات به صورت واحدهای مستقل به سر می‌بردند؛ تامین امنیت راهها و حراست از مرزهای کشور را برعهده داشتند از زمانها گذشته بیشتر افراد ارتشی را جوانان عشایر تشکیل می‌دادند (منبع پیشین، ص ۲۱۰).

۲-۳ اسکان عشایر

به مرور زمان عشایر زندگی کوچ نشینی را رها کرده و یکجانشین می‌شوند و اسکان عشایر در دوره بعد از انقلاب اسلامی بر خلاف سیاستهای قبل از انقلاب حالت ارادی داشته، چرا که با فراهم شدن امکانات در قشلاق، این خود عشایر هستند که تصمیم بر سکونت در مکان ثابت می‌گیرند. در دوره قبل از انقلاب اسلامی، بویژه در دوران حکومت رضا شاه، اسکان عشایر ارادی نبود. سیاستهای اسکان عشایر در دوره پهلوی را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

۱- دوره اول که از سال ۱۳۰۰ شروع شد و تا آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۰ ادامه داشت، با جنگهای خونین و کشتار و جنگجویان عشایری همراه بوده است.

۲- دوره دوم که از سال ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۴۱ ادامه یافت مسأله اسکان طبیعی عشایر مورد نظر بوده و هدف اساسی حکومت مرکزی استقرار دوباره نیروهای نظامی در مناطقی ایلی بوده است.

۳- دوره سوم از ۱۳۴۱ آغاز می‌شود و تا انقلاب اسلامی ادامه پیدا می‌کند. در این دوره، حکومت مرکزی بر اساس برنامه‌ریزی و با کسب تجربه حاصل از عدم موفقیت اسکان اجباری عشایر، از طریق سیاسی به اسکان عشایر اقدام می‌کند (وزارت کشاورزی و عمران روستایی، ۱۳۶۱، صص ۲-۳).

سیاست اسکان اجباری عشایر رضاخان که به سیاست تخته قاپو معروف است شامل اقدامات زیر بود:

- ۱- اسکان
- ۲- تعویض سیاه چادر
- ۳- خلع سلاح
- ۴- دگرگونی در نحوهٔ امرار معاش
- ۵- تعویض لباس سنتی کوچ‌نشینان
- ۶- دگرگونی در وضع سیاسی (از طریق دخالت مستقیم رضاخان و گماردن ماموران انتظامی در راس ایلات)
- ۷- تثبیت مالکیت شهرنشینان بر اراضی کوچ‌نشینان
- ۸- تبعید اجباری
- ۹- تاسیس دارالتربیهٔ عشایری (امان‌اللهی ۱۳۶۰، صص ۲۴۰-۲۴۳).

محمد رضا پهلوی تا زمانی که به بعضی از سران عشایر محتاج بود با آنها سازش می‌کرد و سالی یکبار از آنها دعوت می‌کرد و تفنگ و مدال می‌داد. اما سالها پس از کودتای ۱۳۳۲ و همزمان با تقویت ارتش، برنامهٔ اصلاحات ارضی را به راه‌انداخت. اصلاحات ارضی تاثیر عمیقی بر نظام سیاسی سنتی کوچ‌نشینان گذاشت. ملی کردن بخش عظیمی از مراتع و جنگلها در قالب برنامهٔ اصلاحات ارضی و سپس صدور پروانهٔ انفرادی جهت افراد کوچ‌نشین، ضربهٔ جبران ناپذیری به سران عشایر وارد ساخت و تاحدی دست آنها را از سر کوچ‌نشینان کوتاه کرد (پیشین، صص ۲۱۵-۲۱۷).

ملاحظه می‌شود که به دنبال شکست اسکان اجباری عشایر، اسکان برنامه‌ریزی شده به مورد اجرا گذاشته شد. عکس‌العمل عشایر در مورد اسکان اجباری، ادامه دادن کوچروی بعد از رفع اجبار بود. در گذشته عشایر با دیده حقارت به زندگی یکجانشینی می‌نگریستند و کوچ‌نشینی را با دل و جان دوست می‌داشتند و به همین دلیل بود که در دوره رضاشاه فقط با زور سر نیزه یکجانشین شدند. اما، امروزه وضع بکلی فرق کرده و از آن همه غرور و علاقه عشایر به کوچ اثری باقی نمانده است (پیشین، ص ۲۵۳).

۳- عشایر استان آذربایجان شرقی

دو ایل ارسباران (قره داغ) و شاهسون (ایلسون) و چند طایفه مستقل در استان آذربایجان شرقی زندگی می‌کنند. شاهسون ایلی است که محل استقرار اکثر طوایف و جمعیت آن در استان آذربایجان شرقی زندگی می‌کنند. شاهسون ایلی است که محل استقرار اکثر طوایف و جمعیت آن در استان اردبیل قرار دارد. لکن عده‌ای از طوایف آن در استان آذربایجان شرقی مستقرند. ذکر این نکته قابل توجه است که شاخه‌هایی از ایل شاهسون در دیگر استانهای کشور از جمله استان مرکزی (ساوه) و استان زنجان زندگی می‌کنند. برای معرفی عشایر استان آذربایجان شرقی در این قسمت، ابتدا تاریخچه‌ای از ایل شاهسون را به طور مختصر ارائه دهیم و بعد از آن به معرفی ایل ارسباران می‌پردازیم.

۳-۱- تاریخچه ایل شاهسون (Shah-Savan)

در خصوص سابقه تاریخی شاهسون چندین دیدگاه مطرح شده است. بر اساس برداشت حشمت الله طیبی، به درستی معلوم نیست که شاهسون‌ها اصل ایرانی دارند یا از ترکان مهاجرند. او می‌گوید احتمالاً آنها ایرانی‌اند و در دوره‌ای که زبان ترکی زبان غالب سپاهیان بویژه قزلباش‌ها بوده، زبان ترکی در میان آنها بتدریج جانشین زبان فارسی شده است. این نویسنده معتقد است هسته اصلی و اولیه ایل شاهسون بر خلاف غالب ایلات و عشایر ایران، که اصل آنها مبتنی بر خویشاوندی نسبی پدر تبار است، عامل سیاسی و نظامی بوده است و زمان تشکیل آن به عهد شاه عباس صفوی برمی‌گردد (طیبی، ۱۳۷۴، ص ۳۳۵).

دیدگاه دوم این است که در اواخر قرن شانزدهم میلادی پس از آنکه بیشتر تیره‌های سنی و شیعه، خود را از زیر سلطه ظالمانه امپراطوری عثمانی نجات داده و به ایران پناهنده شدند. ینصر پاشا (Pashayun-Sur) هم به همراه قبیله‌اش از عثمانی به ایران پناهنده شد و به نزد شاه عباس رفت. شاه عباس لقب شاهسون را به آنان داد و به آنها در انتخاب محل سکونت آزادی عمل داد. شاهسون‌ها مجاور اردبیل و همچنین کلپیر مغان را تا محل تلاقی رودهای ارس و کر برای زندگی خود برگزیدند (سیستانی، ۱۳۶۶، صص ۸۳-۸۴). سیستانی از قول ریچارد تاپر (R.Tapper) نقل می‌کند: ایل بیگی‌های شاهسون اکثراً از نسل برادر ینصر پاشا می‌باشند. هر چند که خود آنان می‌گویند از نسل شش پسر ینصر هستند ولی به نظر می‌رسد یکی از ایل بیگی‌ها به نام قرجاییگ سردودمان تمام ایل بیگی باشد (پیشین، صص ۸۴-۸۶).

بر اساس دیدگاه سوم، شاهسون در زمان شاه عباس ظهور یافت. علت امر آن است که در این دوره جمعی «نمک به حرامان» قزلباشیه بر شاه عباس خروج می‌کنند و شاه عباس در واکنش می‌گوید: شاهسون گلسون یعنی هر که شاه را دوست دارد بیاید؛ که از هر فرقه آمدند و طاغیان را شکست دادند و پادشاه آن جماعت را شاهسون نام نهاد (سیستانی ۱۳۶۶، ص ۷۸ به نقل از نظری به تاریخ آذربایجان ص ۱۸۶).

بنابراین، نقطه مشترک هر سه دیدگاه این است که شاهسون در زمان شاه عباس صفوی تشکیل شده است.

لازم به ذکر است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نام شاهسون (شاه دوست) به ایلسون (مردم دوست) تغییر نام یافته است.

۳-۲- ایل ارسباران (قره داغ)

بعد از انفکاک استان اردبیل از استان آذربایجان شرقی (در سال ۱۳۷۲)، ایل ارسباران مهمترین ایل آذربایجان شرقی محسوب می‌شود. وجه تسمیه ارسباران این است که قلمرو عشایر ارسباران در سرزمین ارسباران - قره داغ (قره داغ یعنی سرزمینی که کوه زیادی دارد) است، لذا نام سرزمین محل استقرار بر ایل نهاده شده است و به همین دلیل به عشایر ارسباران (قره داغ) معروف است (سیستانی ۱۳۶۶، صص ۱۰۹-۱۱۰).

۳-۳- ساختار اجتماعی عشایر آذربایجان شرقی

تقسیمات عشایر استان آذربایجان شرقی عبارت است از: ایل، طایفه، لیره، گوبک (Gobk) او به (Obeh)، و خانوار، یعنی هر ایل به چند طایفه، هر طایفه به چند تیره، هر تیره به چند گوبک، هر گوبک به چند اوبه و بالاخره هر

اوبه به چند خانوار تقسیم می‌شود.

در قرن دوازدهم هجری قمری، شاهسون‌ها در دو اتحادیه ایلی یا ال-EL. طوایف مشکین و طوایف اردبیل - متشکل بودند. در راس هر یک، ایلی‌بیگی از سوی دولت مرکزی وظیفه حفظ نظم، وصول مالیات و تامین افواج ایلی را عهده‌دار بود. ایلی به چند طایفه تقسیم می‌شد. اداره طایفه به عهده‌بیگ بود که از سوی ایلی بیگی تعیین می‌شد (فیروزان ۱۳۶۲، ص ۴۰).

در سازمان ایلی عشایر آذربایجان شرقی، بعد از ایلی و طایفه (که تعریف آن قبلاً مذکور افتاد) رده تیره وجود دارد. منظور از تیره، اجتماع گروهی هم خویشاوند است که به یک نیای مشترک حقیقی یا آرمانی وابسته‌اند و به نام او نامیده می‌شوند و از یک همبستگی تاریخی، سیاسی و فرهنگی ایلی برخوردارند و معمولاً حق استفاده یا مالکیت مشاع را در سردسیر و گرمسیر در اختیار دارند و اعضای آن در همه حال حافظ منافع آن است (طیبی ۱۳۷۴، ص ۱۳۶).

تیره در سازمان ایلی آذربایجان شرقی یک واحد سیاسی و اداری است و در راس آن آق سقل Aghsaghghal (ریش سفید) قرار دارد. ممکن است یک تیره، دو ریش سفید برای خود داشته باشد (سیستانی ۱۳۶۶، ص ۹۴).

ضمناً در سازمان اجتماعی سنتی برخی از طوایف ایلی قره‌داغ از جمله طایفه چلبیانلو و محمد خانلو قبل از تیره عنوان زیر تیره آورده می‌شود که این نام غالباً مشخص کننده محل قشلاق عشایر می‌باشد (سازمان برنامه و بودجه استان آذربایجان شرقی ۱۳۶۸، ص ۴۵).

گوبک هسته مرکزی تیره است که معمولاً از ۲۰ تا ۳۰ خانوار تشکیل شده که از سه تا شش پشت به نیای مشترکی از اوبه، اردوهای کوچ‌نشینان

و واحدهای اجتماعی است که از تعدادی آلاچیق تشکیل شده و جماعت آن در یک محل با هم زندگی می‌کنند. در بین ایلات آذربایجان شرقی به این اردوها اوبه یا اوبا (Oba) می‌گویند که معمولاً از ۲ تا ۱۰ و گاهی بیشتر از آلاچیق (Alachigh) تشکیل می‌شود (پیشین، ص ۴۷).

مراتع ایل ایلسون در اصل خالصه بود. اما، عشایر در مراتع مغان برای خود حق علفچر یا کُوده و در چراگاههای سبلان حق مالکیت قایل هستند. در نتیجه، در مغان، خرید و فروش و به ویژه اجاره مراتع امری رایج است. بنابراین، در عمل مراتع به صورت املاک با یر (Yer) اداره می‌شوند. مالکان این املاک در یک اردو یا اوبه زندگی می‌کنند. پس اوبه در اصل، واحد اداره یر است. اما این واژه توسعاً به محل اردو یورت (Yurt)، چادرها و اعضای اردو و نیز ملک و گله‌هایی که در آن می‌چرند نیز گفته می‌شود (فیروزان ۱۳۶۳، ص ۴۱).

عضویت در طایفه و تیره بر حسب اقامت در قشلاق تعیین می‌گردد. بدین ترتیب عشایری که در تابستان محل بیلاقی خود را تغییر دهند یا به همراه طایفه دیگری کوچ کنند تا زمانی که به قشلاق خود بازگردند عضویت تیره اصلی خود را از دست نمی‌دهند لکن، اگر قشلاق خود را تغییر دهند تیره آنها تغییر می‌کند (پیشین، ص ۴۱).

۳-۴- اثر سیاست تخته قاپو بر عشایر آذربایجان شرقی

تخته قاپوی عشایر شاهسون در سال ۱۳۱۳ به توسط رضاخان انجام گرفت. در این اسکان اجباری، نیروهای دولتی یا عشایر را وادار می‌کردند در محل استقرار خود آلاچیق‌ها را بر چیده و سکونتگاه‌های دائمی ایجاد کنند.

در غیر این صورت مورد تهاجم و ضرب و شتم قرار گرفته، آلاچیق‌هایشان سوزانده و دامهایشان کشته می‌شدند و زنان و فرزندان‌شان مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتند. این سیاست علی‌رغم حدت و شدتی که داشت ناموفق بود.

به طوری که در سال ۱۳۲۸ که آغاز برنامه‌های عمران دشت مغان بود، منطقه مغان قشلاق عشایر محسوب می‌شد (سازمان برنامه و بودجه استان آذربایجان شرقی ۱۳۶۸، صص ۲۷-۲۹).

هر چند سیاست تخته قاپو بر اسکان عشایر شاهسون چندان تاثیر نداشته است، اما عشایر ارسباران در اثر این سیاست به یکجانشینی روی نمودند. در این مورد سیستانی معتقد است: بیشتر کوچ‌نشینان ارسباران در دوران تخته قاپو اجباری رضا خان اسکان یافته و برای خود املاکی خریده و همراه با دامپروری به کشت و زرع پرداختند. تنها گروه معدودی از آنها دارای اغنام و احشام هستند و بیلاق و قشلاق می‌کنند (سیستانی ۱۳۶۶، ص ۱۱۰).

۳-۵- مسیر قشلاق به بیلاق عشایر آذربایجان شرقی

قشلاق عشایر ارسباران در محدوده شهرستانها کلیبر و اهر پراکنده است. عشایر ایل ارسباران در تابستان به مناطق بیلاقی مراتع حومه کلیبر (کیوان و منجوان)، مراتع شیور وحد فاصل اهر و کلیبر و مراتع حومه ورزقان (مشک‌عنبر، چهارشنبه، پیرسقا) و مراتع حومه هریس (بدوستان) و مراتع قاشق‌میشه و بیلاقیهای اطراف کوه‌های هشت سر کوچ می‌کنند (سازمان برنامه و بودجه استان آذربایجان شرقی ۱۳۶۸، ص ۵۰).

مسیرهای اصلی قشلاق به ییلاق ایل ارسباران عبارتند از:

- ۱- مسیر اسکانلو - بسطاملو - مولان - شاه‌یوردی (ایل یوردی) - کلیبر - پیغان - مسقران - بیشک - صیفار
- ۲- مسیر یللی - آبخ احمد - گوار - شکر علی - آق دره - اهر - کرد احمد
- ۳- مسیر یللی آبخ احمد - هورانند - اینجار - معروفان - قلعه ملک - اهر (پیشین، صص ۱۵۶ - ۲۰۳).

ییلاقهای ایل ایلسون هم عمدتاً در اطراف کوه سبلان، کوه باقرو، و کوه بز غوش پراکنده است. ضمناً عشایر مرند در حوالی جاده مرند - بازرگانان قشلاق کرده و در بهار و تابستان به حول و حوش مشکین شهر کوچ می‌کنند (فیروزان ۱۳۶۲، ص ۲۸).

۳-۶- جمعیت عشایر استان آذربایجان شرقی

متأسفانه آمار جمعیت دقیق عشایر استان آذربایجان شرقی در منابع مختلف با هم متفاوت است. دلیل این امر، آن است که قلمرو ییلاقی و قشلاقی عشایر عموماً در یک شهرستان یا یک استان قرار ندارد، علاوه بر این تغییر تقسیمات کشوری، تفکیک آمار جمعیت را به طور عام، و عشایر را به طور خاص پیچیده‌تر می‌کند از آنجا که مهمترین ایل عشایری استان آذربایجان شرقی را ایل ارسباران تشکیل می‌دهد، و تعدادی از طوایف ایل ایلسون نیز در این استان زندگی می‌کنند، با استفاده از سر شماری اجتماعی اقتصادی عشایر در سال ۱۳۶۶، ابتدا جمعیت عشایری ایل ارسباران را ذکر می‌کنیم و سپس جمعیت آن عده از عشایر ایلسون را که قشلاق آنها در استان آذربایجان شرقی قرار دارد بدان می‌افزاییم. در سال ۱۸۵۶ میلادی برابر با

۱۲۳۵ هجری شمسی، لیدی شل (Lady Shell) جمعیت طوایف حوزه ارسباران را ۵۵۰،۵ چادر یا خانوار تخمین زده است جمعیت آنان در ۱۳۵۳ هجری شمسی حدود ۶،۶۸۷ خانوار برآورد گردیده است. بر اساس برآورد سازمان امور عشایری در سال ۱۳۶۰، طوایف ارسباران شامل ۱۱،۷۲۴ خانوار و ۷۰،۳۴۹ نفر جمعیت بوده است (سیستانی ۱۳۶۶، ص ۱۱۰ به نقل از نظری به تاریخ آذربایجان شرقی، ص ۱۸۱).

بر اساس نتایج سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده، که در تیر ماه ۱۳۶۶ توسط مرکز آمار ایران انجام گرفته، ایل قره داغ (ارسباران) دارای ۶ طایفه و ۹۵۵ اوبا بوده است. این ایل دارای ۴۶۷۶ خانوار و ۳۱،۳۵۰ نفر جمعیت بوده است. اطلاعات خانوار و جمعیت ایل ارسباران به تفکیک مرد و زن در جدول شماره یک منعکس شده است.

جدول شماره یک-خانوار و جمعیت ایل ارسباران بر حسب طایفه و شهرستان محل استقرار و جنس در سال ۱۳۶۶

طایفه	خانوار و جمعیت در ییلاق			خانوار و جمعیت در قشقلاق		
	خانوار	مرد	زن	خانوار	مرد	زن
ایل قره داغ-ارسباران	۴۶۷۶	۱۶۲۷۹	۳۱۳۵۰	۴۶۷۶	۱۵۰۷۱	۱۶۲۷۹
طایفه چلییانلو	۲۵۱۵	۱۶۱۹۸	۸۲۲۳	۲۵۱۵	۷۹۷۵	۸۲۲۳
شهرستان اهر	۲۵۱۵	۱۶۱۹۸	۸۲۲۳	۲۵۱۵	۷۹۷۵	۸۲۲۳
طایفه حاجی علیلو	۹۱۵	۶۲۰۸	۳۳۳۸	۹۱۵	۲۸۷۰	۳۳۳۸
شهرستان اهر	۸۴۴	۵۶۹۴	۳۰۲۹	۸۹۵	۲۶۶۵	۳۰۲۹
شهرستان تبریز	۰	۰	۰	۸	۰	۰
شهرستان مرند	۷۱	۵۱۴	۳۰۹	۷	۲۰۵	۳۰۹
شهرستان مغان	۰	۰	۰	۵	۰	۰
طایفه حسینکلو	۱۲۹	۱۰۵۴	۵۶۹	۱۲۹	۴۸۵	۵۶۹
شهرستان اهر	۱۲۹	۱۰۵۴	۵۶۹	۱۲۹	۴۸۵	۵۶۹
طایفه قره چورلو	۴۸۴	۳۲۴۱	۱۷۴۱	۴۸۴	۱۵۰۰	۱۷۴۱
شهرستان اهر	۳۸۰	۲۴۹۳	۱۳۳۶	۴۸۴	۱۱۵۷	۱۳۳۶
شهرستان تبریز	۱۰۴	۷۴۸	۴۰۵	۰	۳۴۳	۴۰۵
طایفه گروس داش	۱۰۶	۷۲۵	۳۶۹	۱۰۶	۳۵۶	۳۶۹
شهرستان اهر	۱۰۶	۷۲۵	۳۶۹	۱۰۶	۳۵۶	۳۶۹
طایفه محمدخانلو	۵۲۷	۳۹۲۴	۲۰۳۹	۵۲۷	۱۸۸۵	۲۰۳۹
شهرستان اهر	۵۲۷	۳۹۲۴	۲۰۳۹	۵۲۷	۱۸۸۵	۲۰۳۹

منبع: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده ۱۳۶۶، ایل قره داغ

آمار اداره کل عشایری استان آذربایجان شرقی با آمار مرکز آمار ایران تفاوت معنی داری دارد. بر اساس آمار این اداره کل، در سال ۱۳۷۳ عشایر دوره قشلاقی آذربایجان شرقی دارای ۹،۷۳۷ خانوار و ۶۴،۶۱۳ نفر و در دوره ییلاقی دارای ۱۲،۳۰۴ خانوار با ۸۵،۴۹۰ نفر جمعیت بوده است. علت تفاوت جمعیت دوره های ییلاقی و قشلاقی این است که در فصل ییلاق، عشایر استانهای اردبیل، زنجان و آذربایجان غربی نیز به ارتفاعات ییلاقی استان آذربایجان شرقی کوچ می کنند.

عشایر دوره قشلاقی استان آذربایجان شرقی دارای ۷ طایفه ایل ارسباران، ۴ طایفه ایل ایلسون و ۴ طایفه مستقل می باشد. اطلاعات عشایر دوره قشلاقی در جدول شماره ۲ آورده شده است.

ملاحظه می شود که تفاوت فاحشی بین آمار منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران و آمار اداره کل امور عشایری استان آذربایجان شرقی وجود دارد.

سازمان برنامه و بودجه استان آذربایجان شرقی در گزارشی که تحت عنوان جامعه عشایری و عمران عشایری در سال ۱۳۷۵ منتشر کرده است با ذکر آمار عشایری منتشر شده به توسط اداره کل عشایر استان آذربایجان شرقی از روی نتایج تفصیلی سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده در سال ۱۳۶۶، آمار مربوط به عشایر آذربایجان شرقی را مورد بررسی قرار داده است، لکن به ارائه آمار موثقی اقدام نکرده است.

از آنجا که در این تحقیق آمار جمعیتی چندان مورد نظر نیست، بنابراین با مبنا قرار دادن آمار اداره کل امور عشایر آذربایجان شرقی به نمونه گیری اقدام شده است که خلاصه نتایج آن در ادامه این مقاله ذکر می شود.

جدول شماره ۲ - عشایر دوره قشلاقی استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۷۲

ردیف	نام ایل	نام طایفه	تعداد خانوار	سهم خانوار (%)	تعداد جمعیت	بعدخانوار
۱	چلییانلو	چلییانلو	۴۹۲۵	۵۰/۵۸	۳۱۷۱۷	۶/۴
۲	حاجی علیلو	حاجی علیلو	۱۸۴۵	۱۸/۹۴	۱۳۰۵۳	۷/۱
۳	حسین اکلو	حسین اکلو	۱۶۶	۱/۷۰	۱۳۵۶	۸/۱
۴	ایل ارسباران	دانش گروس	۱۳۶	۱/۳۹	۹۲۴	۶/۷
۵	قره چورلو	قره چورلو	۶۷۰	۶/۸۸	۴۴۲۲	۶/۶
۶	محمد خانلو	محمد خانلو	۶۸۱	۶/۹۹	۵۰۳۹	۷/۳
۷	اینانلو	اینانلو	۱۲۴	۱/۲۷	۸۶۸	۷/۱
۱	فونلار	فونلار	۳۳۱	۳/۳۹	۱۹۴۵	۵/۸
۲	حسین اکلو	حسین اکلو	۴۴۴	۴/۵۵	۲۷۳۰	۶/۱
۳	ایل ایلسون	اجیرلو	۲۹۵	۳/۰۲	۱۸۴۱	۶/۲
۴	حاجی خواجه لو	حاجی خواجه لو	۴۴	۰/۴۵	۲۲۴	۵/۱
۱	طایفه مستقل بالکانلو	قره موسی لو				
	کورانلو - فولادلو		۷۶	۰/۷۸	۴۹۴	۶/۵
جمع			۹۷۳۷	۱۰۰	۶۴۶۱۳	۶/۶

(منبع: اداره کل عشایر استان آذربایجان شرقی، گزارش مطالعات جامع زیست بومهای استان سال ۱۳۷۳، به نقل از گزارش وضع موجود و برنامه پنجساله دوم (۱۳۷۴ - ۱۳۷۸) بخش امور عشایری استان آذربایجان شرقی، کمیته برنامه ریزی امور عشایر، عمران و نوسازی روستاها، دیماه ۱۳۷۴، ص ۴)

۴- اهداف و روش تحقیق

در این مقاله هدف بررسی دیدگاه عشایر در خصوص موضوع کوچ و اسکان و مشخص کردن نظر عشایر در مورد سیاست اسکان عشایر دولت جمهوری اسلامی ایران می باشد.

جامعه آماری عبارت است از کلیه خانوارهای عشایری کوچرو که قشلاق آنها در استان آذربایجان شرقی قرار دارد.

نمونه آماری عبارت است از ۵ درصد از جامعه آماری که به صورت نمونه گیری تصادفی ساده و با رعایت (تقریبی) تناسب حجم خانوارهای طوایف عشایری استان آذربایجان شرقی انجام گرفته است.

واحد آماری عبارت است از خانوار و پرسش مستقیماً از سرپرستان خانوارها به وسیله چند تن از کارشناسان و آمارگیران با تجربه اداره کل امور عشایری آذربایجان شرقی و دو تن از دانشجویان پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه تبریز که دارای تجربیاتی در این زمینه بوده اند انجام گرفته است.

زمان آمارگیری: چون هدف، تکمیل پرسشنامه ها در قشلاق عشایر بود، لذا تکمیل پرسشنامه ها (بجز ۱۰ پرسشنامه در مرنده که در تیرماه انجام گرفت) در اردیبهشت ۱۳۷۶ انجام شد.

کل خانوارهای مورد سؤال ۴۹۶ خانوار می باشد که از این تعداد ۸۹/۱ درصد متعلق به ایل ارسباران و ۱۰/۹ درصد متعلق به ایل شاهسون می باشند.

توزیع شهرستانی عشایر نشان می دهد که قشلاق حدود ۷۵ درصد عشایر آذربایجان شرقی در شهرستان کلبر قرار دارد. ضمناً همه خانوارهای طایفه های چلییانلو و حاج علیلو در دوره قشلاقی در

شهرستان کلپبر مستقر می‌باشند. در ردیفهای بعدی شهرستان اهر با ۱۱/۷ درصد، میانه با ۷/۹ درصد، هشتروند با ۴/۰ درصد و مرند با ۲/۰ درصد قرار دارند. به عبارت دیگر کلپبر و اهر جمعاً ۸۶/۱ درصد از جمعیت دوره قشلاقی عشایر آذربایجان شرقی را در خود جای می‌دهند.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش آمار توصیفی استفاده شده و استخراج داده‌ها توسط نرم‌افزار SPSS (Version 7.0) در Windows 95 انجام گرفته است.

خلاصه یافته‌ها و نتایج تحقیق در قسمت زیر درج شده است.

۵- خلاصه یافته‌ها و نتایج

۵-۱ یافته‌ها

- بررسی توزیع سنی سرپرستان خانوارهای نمونه‌گیری شده عشایر نشان می‌دهد که این افراد دارای سنین بالاتر هستند. به طوری که میانگین سنی سرپرستان ۵۱/۰۵ سال و میانه سنی آنها ۵۱/۰ سال می‌باشد.

- میزان باسوادی در بین سرپرستان خانوارها ۳۳/۷ درصد و تحصیلات ۹۲/۸ درصد از باسوادان در سطح ابتدایی بوده است.

- ۵۲/۱ درصد از سرپرستان خانوارها دامدار، ۰/۶ درصد کشاورز و ۴۷/۳ درصد دامدار-کشاورز بوده‌اند.

- ۹۰/۷ درصد از سرپرستان خانوارها به صورت کارکن مستقل و ۸/۳ درصد به صورت کارفرما می‌کرده‌اند و از جمع آنان تنها چهار نفر حقوق‌بگیر بوده‌اند.

- از کل سرپرستان مورد بررسی تنها یک نفر مجرد و بقیه متأهل بوده‌اند.

- بار تکفل در کل کشور ۴/۱ نفر و در جامعه عشایری ۶/۹ می باشد.
- ۹۸/۲ درصد از اعضای سرپرستان خانوارها در سال گذشته با وسیله موتوری و دامهای آنها با وسیله سنتی کوچ کرده اند.
- ۹۰/۳ درصد از سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه به اسکان تمایل داشته اند. وجود مؤسسات رفاهی و تمدنی راه، برق، مدرسه و تلفن به همراه جاذبه های زندگی یکجانشینی عوامل مهم موثر در اسکان می باشند.
- ۵۶/۰ درصد از سرپرستان خانوارها معتقد بوده اند که در صورت اسکان، درآمد خانوار افزایش می یابد.
- ۵۹/۶ درصد از سرپرستان خانوارها بر این باور بوده اند که در صورت اسکان، وضع زندگی خانوار بهبود می یابد.
- ۹۱/۳ درصد از سرپرستان خانوارها، سیاست اسکان عشایر دولت جمهوری اسلامی را صحیح دانسته اند.
- ۸۱/۷ درصد از سرپرستان خانوارها، اعتقاد داشته اند که کوچ در آینده از بین خواهد رفت و تنها ۹/۸ درصد به ادامه یافتن کوچ معتقد بوده اند.
- در بیلاق، متوسط اتاق هر خانوار ۰/۱۵ و متوسط سرپناه هر خانوار ۱/۷۴ می باشد.
- ۹۰/۸ درصد از خانوارها در بیلاق مرتع داشته اند و مالکیت ۸۰/۷ درصد مراتع آنها ملکی بوده است. در قشلاق، ۹۸/۸ درصد خانوارها مرتع داشته اند و مالکیت ۸۵/۶ درصد از آنها متعلق به خودشان بوده است. ضمناً ۷۵/۹ درصد از خانوارها در قشلاق دارای زمین زراعتی بوده که مالکیت ۹۹/۷ درصد آنها نیز ملکی بوده است.

- ۵۲/۶ درصد از سرپرستان بیسواد خانوارها و ۶۳/۶ درصد از سرپرستان باسواد خانوارها معتقد بوده‌اند که در صورت اسکان، درآمد خانوار افزایش می‌یابد.

- ۴۹/۶ درصد از سرپرستان خانوارهایی که شغل دامداری - کشاورزی داشته‌اند و ۶۸/۴ درصد از سرپرستان باسواد دامدار - کشاورز بر این باور بوده‌اند که در صورت اسکان وضع زندگی خانوار بهبود می‌یابد.

- ۸۴/۲ درصد از سرپرستان بیسواد دامدار - کشاورز و ۹۵/۴ درصد سرپرستان باسواد دامدار، سیاست اسکان عشایر توسط دولت را صحیح دانسته‌اند.

- در بین بیسوادان، ۹۷/۱ درصد خانوارهای بدون مرتع در بیلاق و ۸۸/۹ درصد دارنده مرتع در بیلاق معتقد بوده‌اند که سیاست دولت در مورد اسکان عشایر صحیح می‌باشد. در بین باسوادان این نسبتها به ترتیب ۱۰۰ درصد و ۹۴/۱ درصد می‌باشد.

- ۸۹/۷ درصد از سرپرستان بیسواد خانوارهای مرتع‌دار در قشلاق و ۶۶/۷ درصد از سرپرستان خانوارهای بدون مرتع در قشلاق، سیاست اسکان عشایر دولت را تأیید می‌کنند. در بین سرپرستان باسواد خانوارها، همه خانوارهای بدون مرتع و ۹۴/۳ درصد از خانوارهای مرتع‌دار در قشلاق به درستی سیاست دولت اعتقاد دارند.

- ۹۲/۹ درصد از سرپرستان بیسواد خانوارهای فاقد زمین زراعی در قشلاق بر این باور بوده‌اند که سیاست اسکان عشایر صحیح می‌باشد. این نسبت در بین بیسوادان دارای زمین زراعی در قشلاق ۸۸/۳ درصد، در بین باسوادان بدون زمین زراعی ۹۰/۹ درصد و دارای زمین ۹۵/۳ درصد می‌باشد.

- ۸۸/۶ درصد از خانوارهای بدون مرتع در ییلاق و ۸۱/۱ درصد از دارندگان مرتع در ییلاق معتقد به از بین رفتن کوچ در آینده می‌باشند.
- ۸۳/۳ درصد از خانوارهای بدون مرتع در قشلاق و ۸۱/۶ درصد از خانوارهای دارای مرتع در قشلاق معتقد بوده‌اند که کوچ از بین خواهد رفت.
- در بین سرپرستان بیسواد خانوارها، ۷۸/۲ درصد و در بین باسوادان ۸۸/۶ درصد معتقد بوده‌اند که کوچ از بین خواهد رفت. در بین بیسوادان معتقد به از بین رفتن کوچ، ۹۴/۹ درصد و در بین باسوادان، ۹۵/۲ درصد سیاست‌اسکان عشایر را صحیح می‌دانند.

۵-۲ نتیجه‌گیری

- از مجموع یافته‌های تحقیق می‌توان نتایج زیر را گرفت.
- ۱- از میانگین سنتی و همین‌طور از میانه سنتی بالای سرپرستان خانوارهای عشایر می‌توان نتیجه گرفت که به لحاظ علاقه افراد سنین بالا به حفظ وضع موجود، روحیه تحول‌گرایی در بین تصمیم‌گیرندگان عشایر نمی‌تواند حاکم باشد. به عبارت دیگر، با ساختار فعلی سنتی سرپرستان خانوارها می‌توان گفت از یک طرف برای جوانان که نوگرا هستند جاذبه ورود به جرگه سرپرستی خانوارها وجود ندارد و از سوی دیگر، به لحاظ حاکمیت روحیه محافظه‌کاری در بین افراد مسن نمی‌توان انتظار ایجاد تحول در زندگی عشایر را داشت.
 - ۲- از بیسوادی بسیار بالا و پایین بودن سطح تحصیلات سرپرستان باسواد چنین استنباط می‌شود که سرپرستان خانوارها توانایی بالقوه جهت به کارگرفتن روشهای علمی در انجام امور و حل مسایل و مشکلات خود را ندارند.

- ۳- ترکیب مشاغل سرپرستان عشایر و اشتغال به دامداری توأم به کشاورزی به معنی گرایش آنان به زندگی روستایی می‌باشد.
- ۴- تجرد در بین سرپرستان خانوارها پدیده نادر می‌باشد و اکثریت قریب به اتفاق آنان متأهل می‌باشند.
- ۵- میزان بار تکفل در جامعه عشایری به مراتب بیشتر از کل کشور می‌باشد و چون بین بار تکفل و درجه توسعه یافتگی رابطه معکوس وجود دارد، لذا می‌توان گفت تحمل فشار افراد شاغل در جامعه عشایری خیلی بیشتر از دیگر جوامع می‌باشد.
- ۶- روز به روز شیوه کوچ عشایر از روش سنتی به شیوه ماشینی تبدیل می‌شود و تقریباً نقل مکان اعضای خانوارها از بیلاق به قشلاق و بالعکس با وسیله سنتی در حال منسوخ شدن است.
- ۷- اغلب سرپرستان خانوارها به اسکان تمایل دارند و علت آن را درآمد کم و مشکلات مربوط به کوچ می‌دانند.
- ۸- ایجاد تأسیسات عمومی نظیر راه، برق، مدرسه و تلفن در قشلاق و وجود جاذبه‌های زندگی یکجانشینی عوامل مهم موثر بر اسکان می‌باشند.
- ۹- اکثر سرپرستان خانوارها با دید مثبت به اسکان می‌نگرند و معتقدند که در صورت اسکان، درآمد خانوار افزایش یافته و وضع زندگی آنها بهبود می‌یابد.
- ۱۰- اکثریت قاطع عشایر، سیاست اسکان عشایر را که به توسط دولت جمهوری اسلامی تعقیب می‌شود صحیح می‌دانند.
- ۱۱- چادر، مسکن غالب در بیلاق و خانه، مسکن غالب در قشلاق عشایر محسوب می‌شود.

۱۲- اغلب خانوارهای عشایری هم در ییلاق و هم در قشلاق دارای مرتع بوده و مالکیت عمده آنها ملکی می باشد. سهم دارندگان مرتع در قشلاق به مراتب از ییلاق بیشتر می باشد.

۱۳- سرپرستان باسواد خانوارها به مراتب بیشتر از سرپرستان بیسواد خانوارها معتقدند که درآمد خانوار در صورت اسکان افزایش می یابد.

۱۴- باسوادان بیشتر از بیسوادان و دامدار-کشاورزان بیشتر از دامداران معتقدند که در صورت اسکان وضع زندگی خانوارها بهبود می یابد.

۱۵- در بررسی مقایسه‌ای، سرپرستان باسواد خانوارها بیشتر از سرپرستان بیسواد خانوارها و دامداران بیشتر از دامدار-کشاورزان معتقدند که سیاست اسکان عشایر صحیح می باشد.

۱۶- خانوارهای بدون مرتع در ییلاق بیشتر از خانوارهای دارای مرتع در ییلاق بر صحت سیاست اسکان عشایر یقین دارند.

۱۷- باسوادان مرتع دار بیشتر از بیسوادان مرتع دار در قشلاق و باسوادان بدون مرتع بیش از بیسوادان بدون مرتع در قشلاق به صحت سیاست اسکان عشایر اعتقاد دارند.

۱۸- باسوادانی که در قشلاق زمین زراعی دارند بیشتر از بیسوادان زمیندار در قشلاق، و باسوادانی که در قشلاق زمین زراعی ندارند کمتر از بیسوادان فاقد زمین زراعی در قشلاق معتقدند که سیاست دولت در مورد اسکان عشایر صحیح می باشد. به عبارت دیگر، مالکیت زمین زراعی و سواد هر دو در دیدگاه سرپرستان خانوارهای عشایری در خصوص سیاست اسکان عشایر موثر می باشند.

- ۱۹- خانوارهای عشایری که بدون مرتع در بیلاق هستند بیشتر از دارندگان مرتع در بیلاق معتقدند که در آینده کوچ از بین خواهد رفت.
- ۲۰- خانوارهای بدون مرتع در قشلاق بیشتر از دارندگان مرتع در قشلاق معتقدند که کوچ از بین خواهد رفت.
- ۲۱- سرپرستان باسواد خانوارها بیشتر از بیسوادان معتقد به از بین رفتن کوچ می‌باشند. بیشتر این افراد سیاست اسکان عشایر را صحیح می‌دانند.

۵-۳ نتایج برجسته

- از کل نتایج حاصل، نتایج برجسته را می‌توان به صورت ذیل فهرست نمود.
- ۱- با ورود پدیده‌های "مدرن" ساختار "سنتی" جامعه عشایر استان آذربایجان شرقی دگرگون شده و روابط سنتی عشایر در رده‌های ایل، طایفه، تیره و گوبک چنان سست شده که به سختی می‌توان افراد خاصی را در رأس آنها نام برد.
- ۲- جامعه عشایری روز به روز به سمت جامعه روستایی سوق پیدا می‌کند.
- ۳- عشایر با دید مثبت به اسکان می‌نگرند و به همین دلیل معتقدند:
- الف- در صورت اسکان درآمد و وضع زندگی آنان بهتر خواهد شد؛
- ب- سیاست اسکان عشایر که توسط دولت به مرحله اجرا درمی‌آید صحیح است؛
- ج- در آینده کوچ از بین خواهد رفت.

نکته جالب این است که نظر مثبت افراد با سواد در خصوص اسکان و

عواقب آن بیشتر از افراد بیسواد می‌باشد.

بنابراین، با توجه به ناتوانی پدیده‌های سنتی در برخورد با پدیده‌های مدرن و دیدگاه مثبت عشایر نسبت به پدیده یکجانشینی می‌توان پیش‌بینی کرد که دیری نخواهد گذشت که اغلب عشایر کوچ‌رو به زندگی یکجانشینی روی آورند و شیوه معیشت آنها دگرگون گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع مورد استفاده

- اداره کல் امور عشایر استان آذربایجان شرقی، گزارش وضع موجود و برنامه پنجساله دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸)، بخش امور عشایر استان آذربایجان شرقی، کمیته برنامه ریزی امور عشایر، عمران و نوسازی روستاها، تبریز، دیماه ۱۳۷۴.
- اسکندری نیا، ابراهیم، ساختار سازمان ایلات و شیوه معیشت عشایر آذربایجان غربی، انتشارات انزلی، ارومیه، ۱۳۶۶.
- افشار، ایرج، کنیه، لقب، نسب عشایر و ذکر آنها در متون فارسی، (ایلات و عشایر)، مجموعه کتاب آگاه، ۱۳۶۲.
- افشار سیستانی، ایرج، مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران، (دو جلد)، ناشر مؤلف (عبدالله شهبازی)، تهران، ۱۳۶۶.
- امان‌اللهی بهاروند، اسکندر، کوچ‌نشینی در ایران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰.
- انصافیور، غلامرضا، تاریخ زندگی اقتصادی-اجتماعی روستاییان و طبقات اجتماعی ایران، بی‌جا، بی‌تا جهادسازندگی، سازمان امور عشایر ایران، اهداف، برنامه‌ها و عملکرد طرح توسعه جامع مناطق عشایری آذربایجان شرقی، دفتر مطالعات، تهران، بی‌تا.
- جهادسازندگی، سازمان امور عشایر ایران، اهداف، برنامه‌ها و عملکرد طرح توسعه جامع مناطق عشایری آذربایجان شرقی، دفتر مطالعات تهران، بی‌تا.

سازمان امور عشایر ایران، بیاتیه و پیامهای افتتاحیه کنفرانس بین‌المللی عشایر و توسعه بهار محال بختیاری شهر کرده، شهریور ۱۳۷۱ تهران، ۱۳۷۲. سازمان برنامه و بودجه، عشایر و مسایل توسعه، دفتر اول، شناخت، توسط هوشنگ کشاورز، معاونت امور استانها، دفتر مطالعات ناحیه‌ای، تهران، ۱۳۵۴.

سازمان برنامه و بودجه آذربایجان شرقی، ایلات استان آذربایجان شرقی (ایلات کوچرو)، جزوه اول، به توسط حسین خان محمدی، تبریز، ۱۳۶۳. سازمان برنامه و بودجه آذربایجان شرقی، نگرشی بر اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه عشایر آذربایجان شرقی، به توسط عباسعلی کمالی، تبریز، ۱۳۶۸.

سازمان برنامه و بودجه آذربایجان شرقی، جامعه عشایری و عمران عشایری، طرح جامع مطالعات قابلیت سنجی استان آذربایجان شرقی، تبریز، ۱۳۷۵.

شهبازی، عبدالله، مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر، نشر نی، تهران، ۱۳۶۹. طیبی، حشمت‌الله، مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر (چاپ دوم)، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۴.

غفاری، هیبت‌الله، ساختارهای اجتماعی عشایر بویر احمد، ۶۴-۱۳۰۰ هجری شمسی، نشر نی، تهران، ۱۳۶۸.

فیروزان، ت، درباره ترکیب و سازمان ایلات و عشایر ایران، (ایلات و عشایر)، مجموعه کتاب آگاه، تهران، ۱۳۶۲.

مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده، ۱۳۶۶، نشریه شماره ۳-۱۳، ایل قره‌داغ-ارسباران، تهران، ۱۳۶۸.

- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده، ۱۳۶۶، نشریه شماره ۲-۳، ایل ایلسون (شاهسون)، تهران، ۱۳۶۸.
- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن-۱۳۷۵، نشریه شماره ۱، کل کشور، تهران، ۱۳۷۶.
- مشیری، رحیم، جغرافیای کوچ‌نشینی (مبانی و ایران)، سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، تهران، ۱۳۷۲.
- نادری، نادر افشار، اسکان و عشایر و آثار اجتماعی و اقتصادی آن، (ایلات و عشایر)، مجموعه کتاب آگاه، تهران، ۱۳۶۲.
- نخست‌وزیری، دبیرخانه شورای عالی عشایر ایران، خط مشی بیست ساله آینده زندگی عشایر، انتشارات عشایری، تهران، شهریور ۱۳۶۶.
- وزارت کشاورزی و عمران روستایی، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی عشایر، معاونت طرح و برنامه، مرکز تحقیقات روستایی، تهران، ۱۳۶۱.